



تأثیر مجازات حبس بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان گردان

هومان همایونفر^۱ (نویسنده مسول)

علی حسن زاده^۲

چکیده

جرایم مربوط به مواد مخدر و روان گردان از دغدغه‌های همیشگی و به‌خصوص سال‌های اخیر جهان (به‌دلیل تولید و صدور انبوه) و به‌ویژه کشور ما بوده است. بدین جهت، کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی در این خصوص به تصویب کشورهای جهان رسیده است. همچنین، کشورها در حقوق داخلی خود نیز در این زمینه، به قانون‌گذاری پرداخته‌اند.

در این میان، مجازات حبس، محور بحث حاضر است. نقش بازدارندگی مجازات حبس در خصوص جرائم مواد مخدر و روان گردان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

روش انجام این تحقیق توصیفی است. در جمع‌آوری مطالب تحقیق، علاوه بر استفاده از کتاب‌های معدودی که در این زمینه وجود داشت، از مقاله‌های مربوط به اثر بازدارندگی مجازات بهره گرفته شد. علاوه بر آن از سایت‌های اینترنتی و پایان‌نامه‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر در غنی‌تر شدن مطالب نهایت استفاده شده است.

تحقیق حاضر تلاش کرده است که ماهیت این مجازات را در جرائم مواد مخدر و روان گردان از بُعد شرعی و حقوقی مورد بررسی قرار دهد و از سوی دیگر، معین سازد که اعمال این مجازات در جرائم یادشده چه تأثیری بر بازدارندگی این جرائم در نظام حقوقی ایران دارد؛ که با توجه به تفکیک بازدارندگی از کارآمدی، به نظر می‌رسد مجازات حبس در جرائم مورد بحث، از کارآمدی لازم برخوردار است، اما این مجازات از بازدارندگی در این جرائم برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: جرائم مواد مخدر و روان گردان، مجازات حبس، بازدارندگی، پیشگیری

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

Email: homayonfar4409@gmail.com

² استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر



مقدمه

از بدو تأسیس نخستین تشکل‌های اجتماعی که احتیاج به وجود نظم و ایجاد مقرراتی برای حفظ امنیت و تنظیم روابط اجتماعی احساس شد، ضمانت اجرای مقررات تنظیمی نیز مدنظر بوده است. البته، در جوامع نخستین، عمده تضمین‌ها (مجازات‌ها) با انگیزه‌های متفاوتی از قبیل انتقام‌جویی، اجرای عدالت، سزادهی و یا حمایت از جامعه وضع شده بود که مجازات حبس همواره در رتبه اول مجازات‌ها قرار داشت (امیرعلایی، 1357). اگرچه با تغییر زمان و مکان، از لحاظ نحوه اجرای این مجازات، روش‌های متفاوتی اعمال می‌شده، با این حال، تا دهه پیشین، هیچ‌گاه از سیاست کیفری جوامع مختلف بشری حذف نشد. در دهه‌های اخیر، با پیدایش مکاتب مختلف کیفری، مشروعیت مجازات حبس متزلزل شد. در برخی از کشورها، به‌طور کلی از فهرست مجازات‌ها کنار گذاشته شد و در برخی دیگر نیز به‌صورت قانون متروک درآمد و برخی نیز شمار اجرای آن را به حداقل ممکن کاهش دادند (آنسل، 1365).

با این وجود، در نظام حقوقی ایران، مجازات حبس، از مجازات‌های پیش‌بینی شده از سوی قانون‌گذار است. یکی از جرائمی که این مجازات برای آن وضع شده است، جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان است. بدین ترتیب می‌توان گفت شدیدترین پاسخ کیفری (به قاچاق مواد مخدر در ایران و برخی کشورها مجازات حبس است. مجازات حبس با «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب 1338/3/31» وارد حقوق مواد مخدر ایران شد و سپس در قوانین بعدی مربوط به مواد مخدر از جمله «قانون تشدید مرتکبان اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبان جرائم یادشده مصوب 31 خرداد 1348» ابقا شده است و به ظاهر از سال 1353 با شدت هرچه تمام‌تر تا انقلاب اسلامی، به‌وسیله دادگاه‌های نظامی اجرا شده است. بعد از انقلاب تاکنون نیز در قوانین مربوط به مواد مخدر، این مجازات حفظ شده است.

با وجود این، از زمان شروع نخستین بحث‌ها در مورد مجازات حبس برای جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در این خصوص وجود داشت. عده‌ای با این استدلال که هرچه مجازات سنگین‌تر باشد،

1. و این در حالی است که سیاست جنایی با توجه به تحولات جوامع بشری به‌سوی نرمش، ملاحظت و سازندگی گام بر می‌دارد. گرایش حقوق نوین در آلمان یکی از این موارد است: مجازات نباید از آنچه که بازدارندگی عمومی از ارتکاب جرم، معاضدت اجتماعی و تا سر حد امکان برای پیشگیری از تکرار جرم است، تجاوز کند» (یشک، 1368). حقوق کیفری به طرف یک حقوق درمانی با تدابیر اصلاح-گرایانه متحول می‌شود، که این خود، طی شدن بزهکاری را بیان می‌کند (گسن، 1365). ماده 5 اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ‌کس نباید زیر شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده قرار گیرد».



احتمال وقوع جرم پایین می‌آید، با مجازات حبس موافق بودند. در مقابل، عده‌ای با این استدلال که این مجازات، توانایی بازدارندگی لازم را ندارد، با این امر مخالفت می‌کردند.

به هر حال، همان‌طور که اشاره شد، این مجازات در مورد جرائم یادشده، وارد نظام حقوقی ما شد و گرچه در سطح جهانی، در بین اندیشمندان، اجماعی در خصوص حذف این مجازات وجود دارد، اما این مجازات در نظام حقوقی ایران، همچنان به قوت خود باقی است.

بنابراین، در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد بررسی این موضوع چه از لحاظ سیاست جنایی جرائم مواد مخدر و روان‌گردان و چه از لحاظ اصول حقوق جزا و چه از لحاظ فقهی ضرورت دارد تا بتوان به نتیجه‌ای علمی و روشن در این مورد رسید که آیا مجازات حبس در جرائم یادشده می‌تواند نیازهای جامعه کنونی از یک‌سو و مقتضیات نظام حقوقی معاصر ایران را تأمین کند یا خیر؟

مجازات حبس و بازدارندگی جرائم مواد مخدر و روان‌گردان

باید در درجه اول، مشکلی را که می‌خواهیم با مجازات حبس حل کنیم، روشن نماییم. مشکل، عبارت است از قاچاق مواد مخدر که به سلامت و اقتصاد جامعه لطمه وارد می‌کند.

در درجه دوم، دلیل توجیهی توسل به مجازات حبس باید روشن شود. به‌طور کلی در توجیه وجود مجازات حبس، دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه وارد شده، قصد عامل و ورود صدمه بستگی دارد.

طبق نظریه بازدارندگی، مجازات حبس^۱، نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، بلکه دیگران نیز با گرفتن

۱. برخی از نویسندگان از اثر بازدارندگی مجازات اعدام دفاع کرده و می‌نویسند: «به دلایل زیر، مجازات اعدام در مورد مواد مخدر اثر بازدارندگی دارد:

الف. آمارها حمایت دارند که این مجازات قبلاً اثر بازدارندگی خود را در مورد مواد مخدر نشان داده است و در آینده نیز می‌تواند بازدارنده باشد؛

ب. ثابت شده است که مجازات حبس در مورد قاچاق مواد مخدر هیچ‌گونه اثر بازدارندگی ندارد. افراد ثروتمند و با نفوذ به علت تبانی با مسئولان زندان به اشخاص دیگر پول می‌پردازند تا به‌جای آن‌ها زندان را تحمل کنند و برخی دیگر نیز در اثر تبانی با مسئولان زندان به‌جای زندان، وقت خود را در بیمارستان می‌گذرانند و از آرامش نسبی برخوردارند و در جامعه امروزی ما، زندان اثر ننگ‌آوری خود را تا اندازه‌ای از دست داده است و در سال‌های اخیر، برخی قاچاقچیان عمده مواد مخدر از زندان‌های بسیار محکم گریخته‌اند؛



درس عبرت، از ارتکاب جرم مستوجب حبس، خودداری می‌کنند.

به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد که حبس، بازدارندگی فردی ندارد؛¹ چون صحبت از بازدارندگی فردی، جایی است که فرد در جامعه حضور فعال داشته باشد و به‌لحاظ اثربخشی مجازات از تکرار جرم بپرهیزد؛ درحالی‌که با حبس، فرد از جامعه ترد می‌شود..

پس از انقلاب اسلامی، هنوز قانون سال 1348 اجرایی بود تا این‌که در تاریخ 19 خرداد 1359، لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی، به‌منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان، توسط شورای انقلاب به تصویب رسید که اولین قانون در خصوص تعیین مجازات برای جرائم مواد مخدر پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی است. از مشخصه‌های این قانون، یکی این است که برای نخستین بار حبش و ترکیبات دیگر آن، از قبیل بنگ و بنگاب و چرس و مانند آن‌ها، در ردیف مواد افیونی (یعنی تریاک، سوخته و شیره تریاک) قرار گرفت؛ دیگر این‌که مجازات و تنبیه بدنی برای جرائم مواد مخدر پیش‌بینی شد. مواد افیونی، مرفین و هروئین از مواد مخدر صنعتی و کوکائین و... تفکیک شد و برای هریک ماده جداگانه‌ای وضع و مجازات حبس نیز ابقا شد.

از سیاق تنظیم آن معلوم است که این قانون به تبعیت از قانون 1348 و نظر به فضای اوایل انقلاب و وجود ذهنیت منفی شدید در مردم و مسئولان به‌لحاظ ملموس بودن آثار سوء مواد مخدر در سطح وسیعی از جامعه و پراکنده شدن معتادان و ولگرد تنظیم شده و اعضای شورای انقلاب را بر آن داشته تا نسبت به قانون قبلی، شدت و حدت بیشتری به خرج دهند. برای نمونه، در ماده 7 قانون، مجازات حبس برای سازنده و فروشنده و واردکننده و در معرض فروش قراردهنده هروئین، مرفین، کوکائین و... مقرر شد و برای نگه‌دارنده و

پ. برچسب اجتماعی مربوط به مجازات اعدام، این مجازات را بازدارنده می‌سازد. با این توضیح که هیچ زنی دوست ندارد که شوهرش را در راه قاچاق مواد مخدر از دست بدهد و هیچ مادری دوست ندارد که نظاره‌گر جسد فرزند معذوم خود باشد. بنابراین داغ اجتماعی ناشی از اعمال این مجازات، اثر بازدارندگی را به‌دنبال دارد؛

ت. مخالفان مجازات اعدام می‌گویند اگر فقر در جامعه ریشه‌کن شود و آموزش و استخدام در جامعه مهیا شود و همه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی که باعث پیدایش قاچاق مواد مخدر می‌شوند از بین برود، قاچاق مواد مخدر نیز از بین می‌رود. من در نظر با این حرف موافقم ولی در عمل چقدر طول می‌کشد تا ما بتوانیم به این آرمان‌ها برسیم. این آرمان‌ها ناظر به آینده است ولی ما در حال حاضر نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم و برخی مخالفان مجازات اعدام می‌گویند اگر دارائی قاچاقچیان مصادره شود این امر اثر بازدارندگی خواهد داشت. ولی به‌نظر من اگر این امر با مجازات اعدام همراه نباشد، اثر بازدارندگی نخواهد داشت و باید به هر نحوی که شده، انگیزه ارتکاب جرم از بین برود». (به نقل از: رحمدل، 1382).

1. لازم به ذکر است که اگر فرد مرتکب قاچاق مواد مخدر، در نیمه راه ارتکاب جرم به‌علت ترس از مجازات اعدام، از ادامه ارتکاب جرم منصرف شود، نباید آن را از موارد بازدارندگی فردی به‌شمار آورد؛ زیرا این مورد، از موارد بازدارندگی عمومی است. بازدارندگی فردی در حالی است که شخص مرتکب پس از تحمل مجازات، از تکرار جرم بپرهیزد.



حمل کننده و مخفی کننده بیش از 5 گرم از مواد مخدر نیز، مجازات حبس پیش‌بینی شد که در حقیقت، میزان مواد نسبت به قانون قبلی، 50 درصد کاهش یافت، ولی مجازات، تشدید شد. هرچند به علت دسترسی نداشتن به مشروح مذاکرات شورای انقلاب، علت دقیق تشدید مجازات حبس در این قانون روشن نیست، ولی تا سال 1367، امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر، گاهی با شدت و در برخی مواقع نیز به‌طور عادی و روزمره ادامه داشت و بدون توجه به ابعاد مختلف، مبارزه به‌صورت متمرکز بود و مسئولیت قضیه تنها به‌عهده قضات و مأموران دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و مأموران کمیته انقلاب اسلامی وقت بود. تا این‌که در سال 1367، قانون مبارزه با مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد. از نکات بارز این قانون، ماده 33 آن است که برای اولین بار به امر مبارزه با مواد مخدر با دید وسیعی نگریده و نشان می‌دهد که مسئولان وقت دریافتند که صرف دستگیری مجرمان مواد مخدر و اعزام آن‌ها به مراجع قضایی و صدور احکامی مانند حبس و یا حبس و اخذ جریمه‌های سنگین و شلاق، کارساز نبوده و چاره کار نیست و این مطلب در اذهان قوت گرفت که تا عزمی جدی و اراده‌ای ملی و همه‌جانبه در کار نباشد، از بین رفتن جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، رویایی بیش نیست. بنابراین، بر طبق ماده 33، امر مبارزه با مواد مخدر به ستادی محول شد که ریاست آن به بالاترین مسئول وقت قوه مجریه، یعنی نخست‌وزیر واگذار شد. لازم به ذکر است که اعضای ستاد را مقامات ارشد قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، اطلاع‌رسانی، فرهنگی و بهداشتی تشکیل می‌دادند.¹

اصولاً در هر امری، وقتی ستاد تشکیل می‌شود که انجام آن امر از عهده یک یا دو نهاد یا سازمان خارج باشد. در نتیجه، وجود تشکیلاتی جهت هماهنگی و تقسیم مسئولیت و واگذاری هر یک از آن‌ها به نهاد مربوطه احساس می‌شود و نهادهایی به‌عنوان اعضای ستاد در نظر گرفته می‌شوند که هر کدام بتوانند متناسب با امکانات و مأموریت‌های سازمانی، قسمتی از سنگینی امر خطیر مبارزه با مواد مخدر را عهده‌دار شوند. در این ستاد مسئولان اصلی فرهنگی کشور، از قبیل وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان صدا و سیما، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج² و سرپرست سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، در آن حضور دارند.

1. جهت مطالعه مبسوط‌تر در مورد اعضای ستاد، به ماده 33 قانون مبارزه با مواد مخدر مراجعه شود.
2. فرمانده نیروی مقاومت بسیج و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوبه 1376، به فهرست اعضا اضافه شدند.



به هر حال، در قانون سال 1367 نیز مجازات حبس در مواردی چند پیش‌بینی شده است؛ از جمله در بند 4 ماده 2 که بیان می‌دارد: «هرکس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحاء کشت در هر بار، بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: ...» بند 4 - بار چهارم، حبس». در بند 4 از ماده 5 نیز مقرر می‌دارد: «هرکس بنگ و چرس و تریاک و شیریه و سوخته تریاک را وارد کشور و یا صادر کند یا تولید و توزیع و یا خرید و فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب با توجه به مقدار مواد مخدر به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

«... 4- بیش از 5 کیلوگرم حبس و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم». همچنین، قسمت اخیر ماده 6 مبنی بر این که اگر کسی جرم نگهداری و حمل و یا مخفی کردن تریاک و سایر مواردی که احصاء شد را تکرار کند یا مرتکب جرائم بندهای 1 و 2 و 3 از ماده 4 شود و مجموع موارد یادشده به بیش از 5 کیلوگرم برسد، در حکم مفسد فی الارض قلمداد شده و مجازات حبس در مورد وی اعمال می‌شود.

تغییری که در این قانون نسبت به مصوبه شورای انقلاب دیده می‌شود، یکی این که مقدار مواد مخدر را برای تجویز مجازات حبس افزایش داده؛ یعنی برای خرید و فروش و... تریاک و یا سایر مواد مخدر مندرج در ماده 4، در صورتی که بیش از 5 کیلوگرم باشد و ماده 8 برای خرید و فروش و نگهداری و... هروئین و مرفین و... در صورتی که بیش از 30 گرم باشد، آن هم با رعایت تبصره یک از ماده 8، حبس مقرر شده است. در شق دوم از ماده 9 نیز هرگاه در مرتبه چهارم تکرار جرائم مندرج در بندهای 1 الی 5 از ماده 8، میزان هروئین و سایر مواد مخدر مندرج در قانون بیش از 30 گرم باشد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات حبس محکوم می‌شود.

قانون مبارزه با مواد مخدر از زمان تصویب تا اصلاح آن و حتی تا زمان انتشار آن در روزنامه رسمی که از تاریخ 1377/6/31 اجرایی شد، تنها قانون موجود در رابطه با جرائم مواد مخدر بود. همان گونه که شرح آن گذشت، در دو قسمت از قانون، مجازات حبس از باب «در حکم افساد فی الارض» توجیه شده بود که در این زمینه بحث خواهیم کرد.

به هر حال، با وجود حاکمیت این قانون به مدت ده سال، در ریشه‌کن کردن جرائم مواد مخدر، توفیق چندانی حاصل نشد. شاهد این مدعا، آمار کشفیات انواع مواد مخدر از سال 1358 الی 1377 در کل کشور است که می‌توان به دو دوره تا تصویب قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر؛ یعنی 1377/6/31 تقسیم کرد: یک دوره از



سال 1358 الی 1367؛ یعنی از حاکمیت قانون تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر مصوب 1359 تا اواخر سال 1367 که قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسید؛ و دیگری، از اواخر سال 1367 الی 1377. در دو مقطع از آن‌ها، آمار حبس، قابل ملاحظه است: یکی سال‌های 1359 و 60 و دیگری سال‌های 68 و 69 که زمان حاکمیت قانون مبارزه با مواد مخدر بود. ولی، در آمار کشفیات تغییر چندانی ملاحظه نمی‌شود. زیرا انواع مواد مکشوفه از سال‌های 1358 الی 1377 در مجموع 153083677 کیلوگرم است که 50 درصد آن از سال 1358 الی 1372 کشف شده و 50 درصد دیگر، از سال 1373 الی 1377. درحالی‌که، درصد کشفیات در سنوات 1358 الی 1372 بسیار نزدیک به یکدیگر است، یعنی بین 2، 3 و 4 در نوسان است و بقیه 50 درصد، طی سال 1377 کشف شده است (گزارش آماری، 1377) که می‌توان نتیجه فعالیت شدید نیروی درگیر در امر مبارزه با مواد مخدر، از جمله نیروی انتظامی، اداره اطلاعات، سپاه پاسداران و بسیج و سایر نیروهای مردمی دانست و یا از بُعد دیگر، نتیجه عدم تأثیر مجازات شدید حبس در کاهش جرائم و تشدید فعالیت قاچاقچیان مواد مخدر محسوب کرد. آن‌چه مسلم است این‌که در سال 1376 به‌لحاظ عدم بازدارندگی قانون مبارزه با مواد مخدر، لزوم بازنگری در آن احساس شد و تغییراتی در میزان مجازات‌های نقدی و حبس‌های مقرر در قانون پیشین ایجاد شد که مجازات‌های نقدی در همه موارد به میزان قابل توجهی که بعضاً چندبرابر می‌شد، افزایش یافت و در برخی موارد، میزان حبس کاهش پیدا کرد. ولی، یکی از خصوصیات بارز آن، تقلیل اختیار قاضی در اعمال تخفیف مجازات است که به شرح آتی، برخی از مواد آن، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

علاوه بر افزایش انواع مجازات‌های نقدی، مجازات حبس در برخی مواقع با تحدید اختیارات قاضی شدت یافت؛ از جمله، مجازات حبس مقرر در بند 4 ماده 4 قانون مصوب 1367 که عیناً در قانون پس از آن ابقا شد، با این تفاوت که در بند 5 ماده 4 قانون 1367، آمده بود که هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند 4 این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده باشد، دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به‌جز هزینه تامین زندگی متعارف برای خانواده‌اش محکوم می‌کند. درحالی‌که در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، همان بند به تبصره تبدیل شده و مقرر نموده که هرگاه مقدار مواد مکشوفه بیست کیلوگرم یا کمتر باشد، مجازات مقرر، حبس ابد و مصادره اموال است و در مقادیر بالای بیست کیلوگرم، مرتکبان تحت هر شرایطی حبس می‌شوند. متن تبصره چنین است:

«هرگاه محرز شود مرتکبان جرائم موضوع بند 4 این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع



یا فروش آن‌ها هم نشده و مواد بیست کیلوگرم یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط یادشده، آن‌ها را به حبس ابد و هفتاد ضربه شلاق و مصادره اموال به‌جز هزینه زندگی متعارف برای خانواده آن‌ها محکوم می‌کند. در مقادیر بالای بیست کیلوگرم، مرتکبان تحت هر شرایطی حبس می‌شوند.^۱ چنانچه ملاحظه می‌شود، اختیارات قاضی در عدم صدور حکم حبس محدود شده و در صورتی که میزان مواد، بیش از بیست کیلوگرم باشد، قاضی ناچار به صدور حکم حبس است.

از سوی دیگر، رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات حبس، در سال‌های اخیر، از خود نرمش بیشتری نشان داده است. برای مثال، از بین صد و بیست و پنج هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که مورد بررسی قرار گرفته است، 2000 فقره آن، مربوط به صدور حکم حبس برای متهمان بوده است و این تعداد، فقط 9 درصد پرونده‌ها را تشکیل داده‌اند. ولی از این تعداد، فقط حکم حبس 12 درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان، یا مشمول عفو شده و یا به‌دلیل واقع‌بینی دیوان عالی کشور، نقض شده‌اند (کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر، بی‌تا) که شاید بتوان این موضوع را دلیل آن دانست که دیوان عالی کشور به بی‌فایده بودن مجازات حبس پی برده است.

نقض احکام حبس به‌وسیله دیوان عالی کشور، نشان‌دهنده عدم همگامی سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی است.^۲ برای مثال، در سال 1378 از بین 15869 حکم حبس افراد مستحق حبس طبق «مصوبه مبارزه با مواد مخدر»، فقط 1725 مورد، منجر به صدور حکم حبس شده و از این میان، فقط 404 مورد آن به تایید دیوان عالی کشور رسیده و از بین موارد تایید شده نیز فقط 224 مورد آن اجرا شده است. در سال 1379 از بین 13252 مستحق مجازات حبس، فقط 2390 مورد حکم حبس صادر شده و از بین موارد یادشده، فقط حکم حبس 403 نفر تایید و از بین موارد تایید شده نیز فقط 226 مورد آن، اجرا شده است. در واقع سیاست جنایی قضایی^۳ می‌خواهد ایراد قانون را (در پیش‌بینی مجازات حبس و آن هم در حد

1. تبصره ماده 4 قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب 1376 مجمع تشخیص مصلحت نظام.

2. برای مطالعه بیشتر در مورد نسبت سیاست جنایی قضایی و تقنینی ایران در مورد مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، به رحمدل (1385) مراجعه شود.

3. نتایج حاصل از نظرسنجی صورت گرفته به‌وسیله مرکز پژوهش، مطالعات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر از قضات دادگاه‌های انقلاب شرکت‌کننده در همایش و کارگاه آموزشی ویژه قضات دادگاه‌های انقلاب ویژه مواد مخدر کشور به این شرح بوده است: «در پاسخ به این گزاره که بهترین راه کاهش جرائم مواد مخدر، تشدید مجازات است، 37٪ موافق، 30/4٪ نامطمئن و 29/3٪ نظر مخالف ابراز داشته‌اند. در برابر این گزاره که بهتر است بودجه مبارزه با مواد مخدر فقط در راه تشدید قوانین مبارزه با مواد مخدر صرف شود، 27/2٪ موافق، 9/8٪ موضعی نامطمئن و 59/8٪ نظر مخالف داشته‌اند. پاسخ قضات به این پرسش که به نظر شما بازتاب اعدام قاچاقچیان



وسیعی) به متولیان سیاست جنایی تقنینی گوشزد کند که اعمال مجازات حبس، کارساز نبوده و نیست و این رسالتی است که سیاست جنایی قضایی با هدایت قانون گذار در پیش گرفتن سیاست جنایی تقنینی بر عهده دارد و آن را نیز با کمال کیفیت انجام می دهد.¹

درخواست عفو² محکومان به حبس نیز از دو جهت قابل بررسی است: یک جهت، آن است که در صورت عدم امکان نقض حکم حبس از طرف دیوان عالی کشور به دلیل کامل بودن دلایل توجه اتهام به متهم، دادگاهها با توسل به سازوکار مندرج در ماده 38 مصوبه (در مورد تقاضای عفو³) سعی کنند نارسائی قانون در توسل به آخرین مرحله اعمال خشونت را جبران کنند.⁴

جهت دوم، آن است که حکومت بخواهد به این طریق اعلام کند که موافقت با عفو، امتیازی است که به افراد داده می شود، وگرنه دلیلی ندارد که در قانون مجازات، حبس پیش بینی شود و در عمل به دنبال راهی برای فرار از آن باشد. این نحوه فرار از اجرای مجازات حبس را به چیزی جز بی فایده بودن پیش بینی آن در قانون نمی توان تعبیر کرد.

برای روشن شدن مطلب، نمونه های عملی این امر، در ادامه بیان می شود تا تردیدی در صحت مطالب یادشده ایجاد نشود. برای مثال، «از بررسی 10 مورد پرونده های که موضوع آن ها، براساس قانون (چه از حیث مقادیر

مواد مخدر چه تأثیری در جوامع بین المللی دارد، به این صورت بوده است: 43/5٪ بر این باور بوده اند که اعدامها بازتاب منفی در جوامع بین الملل دارد، 23/9٪، آن را بی تأثیر دانستند و 15/2٪ نیز اعتقاد داشتند که بازتاب اعدام قاچاقچیان در جوامع بین المللی مثبت بوده است»، (رحمدل، 1382).

1. بررسی آماری نشان می دهد که قاطعیت در اجرای قانون از سال 1378 تاکنون بنا به دلایل متعدد کاهش یافته است به گونه ای که درصد احکام تایید نشده در مرکز در رابطه با ماده 32 در مقایسه با احکام صادره استانها هر سال نسبت به سال قبل کاهش یافته است، (سالنامه آماری 1379، 72).

2. در سال 1379 در مجموع، احکام اعدام درباره 1653 نفر مورد تایید قرار گرفته که برای 1250 (76 درصد) از آنان تقاضای یک درجه تخفیف شده است که نسبت به سال قبل تقاضای عفو 87 درصد رشد را نشان می دهد (سالنامه آماری 1379).

3. ماده 38: دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات های تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد 15 سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد.

4. طبق ماده 38 مصوبه مبارزه با مواد مخدر در مورد مجازات اعدام، تقاضای عفو به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد و طبق ماده 31 آئین نامه اجرایی مصوبه مبارزه با مواد مخدر» در اجرای قسمت زیر ماده 38 مصوبه، چنانچه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، شخصاً یا برحسب تقاضای محکمه، محکوم علیه را مستحق عفو تشخیص دهد، اجرای حکم تا اظهار نظر کمیسیون عفو قوه قضائیه و قبول یا رد پیشنهاد عفو از طرف مقام رهبری متوقف خواهد شد. در این مورد دادگاه پرونده را از طریق هیئت عفو سریعاً به کمیسیون عفو قوه قضائیه ارسال می کند» و طبق ماده 20 آئین نامه اجرایی مصوبه «در اجرای آئین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب 1373/9/19 برای محکومان مواد مخدر، اخذ نظریه دبیر ستاد یا نماینده تام الاختیار وی ضروری است. دبیر ستاد مکلف است در هر شهرستان، نماینده تام الاختیار خود را به دادگاه انقلاب اسلامی مربوطه معرفی کند.»



ترياک کشف شده و چه از حيث ادله به دست آمده و چه از حيث اقرار صريح متهمان) مشمول حکم حبس قرار گرفته بودند، نتايج زير به دست آمده است:

تنها در سه مورد، بدو حکم حبس صادر شده بود، در يك مورد قاضی پس از صدور حکم حبس با اشاره به همکاری متهم برای دستگیری ساير متهمان دو درجه تخفيف داده بود و اين مسئله مورد موافقت دادستان کل کشور مبنی بر يك درجه تخفيف از طريق کمیسیون عفو قرار گرفته بود. در دومين مورد با توجه به اين که مواد مخدر کشف شده به فروش نرفته بود و قاضی بدون استعلام از سابقه، حسب اقرار متهم به داشتن سابقه محکوميت در مورد قاچاق مواد مخدر، وی را به حبس محکوم کرده بود، حکم یادشده توسط دادستان کل با اين استدلال که وجود شبهه در تاريخ سابقه کيفری و لزوم احتیاط در دماء مستلزم رسیدگی دقيق است، حکم را نقض کرده بود. در مورد سوم که معامله با عامل نفوذی مقامات قضایی برای به دام انداختن متهمان صورت پذیرفته بود، دادستان کل با اين استدلال که در خصوص مورد، حبس خلاف احتیاط در دماء است، رای را نقض کرده و درخواست رسیدگی مجدد کرده بود.

در چهار پرونده ديگر، که نگارنده در روند دادرسی آن حضور داشته، مشاهده شده است که قضات، از ابتدا سعی کرده بودند به هر طريق ممکن محتویات پرونده را با تبصره بند 4 ماده 4¹ منطبق نموده و حکم حبس را به حبس ابد، مصادره اموال و 74 ضربه شلاق تبدیل کنند و در سه مورد نیز حکم حبس با استناد به جهات تخفيف مجازات به حبس ابد و مصادره تبدیل شده بود؛ ولی حکم بدوی صادره، گاه با اين استدلال که طبق اقرار متهمان یا گزارش نیروی انتظامی مقداری از مواد مخدر به فروش رفته و یا متهم سابقه محکوميت کيفری مؤثر دارد و گاه با اين مبنا که حکم حبس حد است و از احکام سلطانيه و حکومتی است و نه احکام تعزیزی و قاضی حق دارد در صورت مشاهده جهات تخفيف مجازات، پیشنهاد عفو و تخفيف دهد، از سوی دادستانی کل کشور و دیوان عالی کشور برای صدور حکم حبس یا با قيد لزوم درخواست قاضی برای تخفيف نقض شده بود.

در عين حال، در تمام 10 مورد پرونده هایی که حسب مقادير کشف شده هروئين و اقرارهای متهمان، به صورت قانونی مشمول حکم حبس موضوع ماده 8 قرار گرفته بودند، قضات با تطبيق شرایط پرونده بر

1. هر گاه محرز شود مرتکبان جرائم موضوع بند 4 اين ماده برای بار اول مرتکب اين جرم شده و موفق به توزيع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بيست کيلوگرم یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط یادشده آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می کند. در مقادير بالای بيست کيلوگرم مرتکبان تحت هر شرایطی اعدام می شوند.



تبصره 1 بند 6 ماده 8، از صدور حکم حبس خودداری کرده و آن را تبدیل به حبس ابد، مصادره اموال و 84 ضربه شلاق کرده بودند که در 9 مورد از آن‌ها، پرونده از این حیث تایید شده بود ولی از جهت موارد دیگری نظیر عدم مداخله وکیل در پرونده یا اعمال همزمان تخفیف و تبدیل در پرونده در خصوص مجازات مصادره اموال و شلاق نقض شده بود که البته تأثیری در مجازات صادر شده نداشت.

با تعمیم نتایج آماری حاصل از 2000 پرونده، نمونه‌ای که مشمول مجازات حبس بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش قضات دادگاه انقلاب به سمت کمتر کردن موارد اجرای مجازات حبس، محدود کردن دایره شمول این حکم در پرونده‌ها و اعمال موسع اختیارات قانونی ناشی از تخفیف مندرج در «قانون مجازات اسلامی» و تبصره‌های مواد 8 و 4 «مصوبه مبارزه با مواد مخدر» است.

بنابراین در 70 درصد پرونده‌های مربوط به قاچاق تریاک و 90 درصد پرونده‌های مربوط به قاچاق هروئین که در فاصله سال‌های 1376-1377 در دادگاه انقلاب اسلامی تهران مطرح شده‌اند، حکم حبس و مصادره اموال به جهات و دلایل مختلف به حبس ابد، مصادره اموال و 74 ضربه شلاق تبدیل شده است و در عین حال، در مرحله تجدید نظر دادستان کل کشور و رئیس دیوان عالی کشور، از 30 درصد احکام بدوی حبس در پرونده‌های قاچاق تریاک، 20 درصد به جهت احتیاط دماء و 10 درصد به جهت وجود دلایل و جهات تخفیف تا یک درجه (حبس ابد) نقض شده است و در مورد 70 درصد مابقی، باید گفت که در کنار استدلال دیوان عالی کشور مبنی بر حد بودن مجازات حبس و امکان اعمال تخفیف از طریق کمیسیون عفو، 40 درصد پرونده‌ها برای درخواست تخفیف به کمیسیون عفو فرستاده شده است. 10 درصد به جهت رعایت نکردن مقررات شکلی (نظیر عدم مداخله وکیل در امر دادرسی) و 20 درصد به جهت عدم امکان استناد به ماده تخفیف در «قانون مجازات اسلامی» نقض شده و مشمول حکم حبس شده است. در مرحله تجدید نظر در پرونده‌های مربوط به قاچاق هروئین نیز همه 10 درصد آراء صادره مبنی بر حبس، مورد تنفیذ رئیس دیوان عالی کشور قرار گرفته است و در 90 درصد دیگر پرونده‌ها که مجازات حبس آن‌ها، در مرحله رسیدگی به حبس ابد تبدیل شده است، هیچ‌گونه اعتراضی به صدور حکم حبس ابد به جای حبس نشده است و حکم، عیناً توسط رئیس دیوان عالی کشور تایید شده است» (قناد، 1379).

ملاحظه می‌شود که سیاست جنایی قضایی چقدر با سیاست جنایی تقنینی فاصله دارد و قضات سعی می‌کنند به هر نحو ممکن، راهی برای فرار از اجرای مجازات بسیار سنگین حبس پیدا کنند.



تبعیت نکردن سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معنا است که قانون گذار در وضع قانون، به بی‌راهه رفته است. اگر قانون گذار در یک اتاق شیشه‌ای و بدون توجه به واقعیات جامعه اقدام به تصویب قانون کند و تنها با وضع مجازات بسیار سنگین و بدون توجه به علل و فقط با توجه به معلول‌ها، قانون گذاری کند و خیال کند که با حبس چند نفر قاچاقچی که خودشان معلول به‌شمار می‌آیند و نه علت، می‌تواند به حل مشکل بپردازد، راه اشتباهی را انتخاب کرده است. در عوض برخی از قضات به‌لحاظ مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست‌تر و بهتر از این وقایع، راه اعمال سرکوب‌گرانه قانون گذار را سد می‌کنند.¹

نتیجه گیری

جرائم مربوط به مواد مخدر و روان گردان یکی از معضلات جامعه جهانی و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه است. اهمیت این موضوع زمانی افزایش می‌یابد که به این نکته توجه داشته باشیم که کشور ما، همجوار کشوری است که تولیدکننده انبوه این مواد است.

در این میان، راه‌های مختلفی برای مبارزه با جرائم مربوط به این مواد مورد توجه قانون گذاران تمامی کشورهای جهان قرار گرفته است که سنگین‌ترین آن‌ها، مجازات حبس است. این مجازات که از سوی برخی کشورها برای مبارزه با جرائم یادشده تعیین شده است، از سوی قانون گذار ایران نیز مورد تایید واقع شده است.

با توجه به سیر تاریخی قانون گذاری در این زمینه، معلوم می‌شود که از همان اوان پیدایش این مجازات برای جرائم یادشده، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند که این موضوع تا کنون نیز ادامه داشته است.

لازم به ذکر است که بیشتر مباحث در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش مجازات حبس در این زمینه، معطوف به کمیت و کیفیت بازدارندگی و قدرت پیش‌گیرندگی آن است. همچنین در نظام حقوقی ما که یک نظام مبتنی بر شریعت اسلامی است، بحث از فقهی یا غیرفقهی بودن این مجازات در خصوص جرائم مواد مخدر و

1. قضات پیش از آن که حامی و مجری قانون باشند، انسانند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. دادرسان که با وقایع خارجی به‌طور مستقیم روبرو هستند، عدالتی را که اخلاق عمومی به‌وجود آورده است روشن‌تر احساس می‌کنند و از آن الهام می‌گیرند. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می‌گیرد ولی عنوان «انسان» از محیط خود متأثر می‌شود (کانونیان، 1377).



روان گردان نیز مطرح است.

تحقیق حاضر، با تکیه بر نظریه‌های حقوقی، سیر تاریخی مجازات حبس به‌طور کلی، طرح استدلال موافقان و مخالفان مجازات حبس و... نشان می‌دهد که نه تنها وجود یا عدم این مجازات در یک سیستم حقوقی، به مسائل و مقتضیات گوناگونی بستگی دارد که از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر قابل تغییر است، بلکه در خصوص بازدارندگی این مجازات هم به‌طور کلی و مطلق نمی‌توان اتخاذ موضع کرد. در نتیجه، برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در تحقیق حاضر، باید این مجازات را در سیاق^۱ خاص جرائم مواد مخدر و روان گردان سنجید.

از سوی دیگر، از آنجا که اگر ثابت می‌شود، مجازات حبس در جرائم یادشده در زمره مجازات‌هایی است که از سوی شرع معین شده و به تعبیر دیگر از تعزیرات شرعی محسوب می‌شود، بحث بر سر بازدارندگی آن در نظام حقوقی ما بیهوده می‌شود؛ زیرا در این صورت، بر فرض ثابت شدن عدم بازدارندگی حبس در این جرائم، موضوع وجود حکمت در احکام الهی و امور خفیه، مانع بحث بر سر اصلاح اعمال این مجازات می‌شود.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد از آنجا که افساد فی الارض و محاربه، دو جرم جداگانه محسوب نمی‌شوند، مجازات حبس در جرائم مواد مخدر و روان گردان را نمی‌توان از تعزیرات شرعی شمرد و بر آن اساس، می‌توان آن را در مواردی تعدیل کرد و یا حداقل شرایطی را ایجاد نمود که این مجازات، از بازدارندگی لازم برخوردار شود.

از آنجا که با نتیجه‌گیری یادشده، بحث بر سر بازدارندگی مجازات حبس در جرائم مزبور گشوده شد، در ادامه به بازدارندگی این مجازات در جرائم مواد مخدر و روان گردان به‌خصوص در دستگاه قضایی ایران پرداخته شد.

نتیجه این بررسی، این است که مجازات حبس در جرائم مواد مخدر و روان گردان با شیوه‌ای که اکنون در حال اجرا است، از بازدارندگی^۲ لازم برخوردار نبوده و از آنجا که این مورد (وجود مجازات حبس در جرائم یادشده)، به‌وضوح در چشم قضات و دستگاه قضا ناعادلانه جلوه کرده و سودی در آن دیده نشده است، سیاست جنایی قضایی ایران، همیشه از هر راهی که امکان تعدیل این موضوع وجود داشته، وارد عمل شده تا

1. Context

2. لازم به توضیح است که با توجه به تفکیک بازدارندگی از کارآمدی، به‌نظر می‌رسد مجازات اعدام در جرائم مورد بحث، از کارآمدی لازم برخوردار است، اما این مجازات اکنون از بازدارندگی در این جرائم برخوردار نیست.



سیاست جنایی تقنینی را در این خصوص با واقعیات اجتماعی وفق دهد.

لازم به توضیح است که یکی از مهم‌ترین دلایل عدم بازدارندگی مجازات یادشده، این است که این مجازات در محیط زندان و دور از ابصار عمومی و مردم صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، در مواردی که قانون‌گذار، قصد اعمال این مجازات را دارد، باید حداقل آن را به‌گونه‌ای عملی کرد که بازدارنده باشد، نه این‌که فقط به حذف مجرم همت گماشت و این امر میسر نمی‌شود، مگر این‌که اعمال مجازات یادشده در مکانی برگزار شود که چشم عبرت‌بینی نیز در آن جا وجود دارد.

رویکرد جدید قانون‌گذار نیز به‌طور کلی، مؤید نتیجه حاصل از این تحقیق است، بدین ترتیب که، قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 شمسی، که در ماده 19، مجازات‌های تعزیری را مورد شمارش قرار داده و آن‌ها را به 8 درجه تقسیم نموده است، نامی از مجازات حبس نمی‌آورد و سنگین‌ترین مجازات آن که به‌عنوان درجه 1 شناخته می‌شود، حبس بیش از 25 سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی است. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار نیز در شیوه کنونی اجرای حبس، سودی ندیده است و به‌دنبال بازسازی و تعدیل این مجازات است.

بنابراین، به‌نظر می‌رسد، از یک‌سو، مجازات حبس با شیوه اجرای کنونی آن، در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.

بدین ترتیب، از آن‌جا که محقق، خود نیز مخالف حذف مجازات حبس در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان به‌طور کلی است (طه طاهری، 1393)، از یک‌سو، در جهت بازدارنده‌کردن مجازات حبس در این جرائم (از طریق روش‌هایی که بازدارندگی را افزایش می‌دهد) کوشید و از سوی دیگر، تا حدی که نظام حقوقی کشور و شرع مقدس اجازه می‌دهد، مجازات‌های دیگری را به‌عنوان جایگزین (از جمله حبس‌های سنگین مندرج در ماده 19 قانون مجازات اسلامی، منع اقامت در یک محل معین یا اجبار به اقامت در یک محل معین و منع اشتغال به برخی مشاغل) در نظر گرفت. بحثی که باید در مجالی دیگر، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، با نگاهی به قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، معلوم می‌شود که این قانون، بیش از توجه به اقدامات پیشگیرانه، به اقدامات سرکوب‌گرایانه توجه داشته است. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد که در اصلاحات بعدی این قانون باید به اقدامات پیشگیرانه، توجه بیشتری مبذول شود.



فهرست منابع

- اداره کل حقوقی، امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر، **کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر**.
- اداره کل آمار و رایانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، **گزارش آماری سال 1377؛ 19 سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی**.
- **اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر**، مصوب 1389/5/9.
- امیرعلایی، شمس‌الدین. (1357). **مجازات حبس**، تهران: انتشارات دهخدا.
- آنسل، مارک. (1365). **مجازات حبس**، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات آگاه.
- درگاهی، حسین و همکاران. (1389). **اعتیاد، مواد مخدر و سوء مصرف مواد و نظام‌های اطلاعات**، تهران: انتشارات آوای دانش گستر.
- ذبحی، حسین. (1392). **شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر**، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- رحمدل، منصور. (1382). **مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران، انگلستان و ولز در قبال قاچاق مواد مخدر**، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- رحمدل، منصور. (1385). **تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات حبس در جرائم مواد مخدر**، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره 1، 149-165.
- رندی، مه‌لینگ. (1389). **مجموعه حقایق آشکار از مواد مخدر، حشیش (ماری جوانا، علف، بنگ)**، ترجمه دکتر سیدمهداد مظفر و نازیلا رستمی، تهران: نشر آبژ.
- طه‌طاهری. (1393). **قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر**، قابل دسترسی به آدرس:
<http://www.irna.ir/fa/News/81430916> (1393/10/28) تاریخ بازدید:
- **قانون مجازات اسلامی**، مصوب سال 1392 شمسی.
- قناد، فاطمه. (1379). **بررسی تناسب بین جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر**، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی- کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: روزنامه رسمی کشور.
- کاتوزیان، ناصر. (1377). **فلسفه حقوق**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گسن، ریموند. (1365). **گرایش‌های نو در جرم‌شناسی انگلستان و آمریکای شمالی**، ترجمه علی حسین نجفی‌ابرنادادی، **مجله دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی**.
- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه قضایی دادگستری استان قم. (1387). **بررسی وضعیت مجازات حبس**، قم: کانون تبلیغاتی طه.
- هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمود. (1378). **بایسته‌های فقه جزا**، تهران: نشر میزان.
- هانس هنریش، یشک. (1368). **حقوق جزای نوین جمهوری فدرال آلمان در بوته آزمایش**، ترجمه محمد آشوری، **مجله کانون وکلا**، 239.
- Adesugba. S., (1990), *The Death Penalty: Myth or Reality, in: Narcotics: Law and Policy in Nigeria* (eds.), Awa U. Kalu&YemiOsinbajo, Bencod Press Limited, FrderalMinistry of Justice, Lagos, pp. 347-348



**Psychology and Educational Sciences
Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium**

- Griffith Edwards et al. (2009). Drug trafficking: time to abolish the death penalty, *Journal compilation*, Society for the Study of Addiction.
- *United Nations Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances* (entered into force on November 11, 1990).
- Ying yos Leechaianan & Dennis R. Longmire. (2013). *The Use of the Death Penalty for Drug Trafficking in the United States, Singapore, Malaysia, Indonesia and Thailand: A Comparative Legal Analysis*, in: *The Death Penalty in the 21st Century*, College of Criminal Justice, Sam Houston State University, Huntsville.

Archive of SID